آخر ما یخرج من قلب الصدیقین حبّ الجاه

حاج آقای مظاهری، اول درگ، درس اخلاق می‌گفتند، بعد به مسجد اعظم رفتند. ایشان، خودشان شاگرد مرحوم آقای بروجردی بودند. می‌فرمودند ای شاید هم شنیده بودند که آقای بروجردی، اواخر عمرشان که مرجعیت و پیرمردی داشتند، بالای منبر با حالت منبر، می‌فرمودند: روایت دارد «آخر ما یخرج من قلب الصدیقین حب الجاه»[1]. این روایت آقای بروجردی را به گریه انداخته بود. این حرف شوخی نیست. علمای اخلاق دارند؛ ما که آن زمان می‌شنیدیم اینطور به ذهنمان می‌آمد که حب جاه، به معنای حبّ الرئاسة است. اما بعد در کتب اخلاق دیدم که صریحاً گفته‌اند حب الجاه، حب الرئاسه نیست. حب الجاه یعنی حب الوجاهة. می‌خواهد نزد مردم وجیه باشد. لذا در کتب اخلاق تصریح کرده‌اند که گاهی از ریاست فرار می‌کند، به‌خاطر این‌که در قلبش حبّ الجاه است. چرا؟؛ چون می‌بیند اگر رئیس شود، آن وجاهت پایین می‌آید. از ریاست فرار می‌کند تا وجیه بماند! چقدر لطیف است! بیخود نیست که آقای بروجردی گریه می‌کردند. می‌فهمیدند که مطلب خیلی بلند است. سبحان اللّه! امثال من بچه که تصورش را هم نکردیم!

آقای مظاهری در حسینیه‌ی ارگ درس اخلاق داشتند، این را در آنجا نقل کردند. من گفتم شاید با واسطه شنیده‌اند شاید هم خودشان در درس مرحوم بروجردی بوده‌اند که ایشان می‌گفتند آقای بروجردی با حال گریه این حدیث را می‌گفتند.

---

[1]. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغة، ج 2، ص 181: «و من كلام بعض الصالحين آخر ما يخرج من رءوس الصديقين حب الرئاسة».

بازبینی #2
ایجاد شده 20 ژوئیه 2024 13:14:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئیه 2024 14:19:21 توسط ... .